



یادداشتهای سیاسی

در صفحه ۵

ادامه جنگ
نتایج و بازتابها

جنگ رژیمهای ایران عراق در آستانه سومین سال آغاز خود با هجوم نیروهای جمهوری اسلامی به داخل خاک عراق وارد مرحله جدیدی شده است. تکلیف ناشناخته شدن میان دو مرحله در این جنگ ارتعاشی یعنی میان زمانی که ارتش عراق در خاک ایران می‌جنگید و اکنون که نیروهای جمهوری اسلامی به خاک عراق حمله کرده‌اند بر حد و بردگاههای زمین‌بستی و غیرمطمئن تعیینی در ماهیت ارتعاشی جنگ پدید می‌آورد و به غفلت تجاوزکارانه آن را از هر دو سو نفی میکند. چرا که این جنگ حتی است برضای آفریننده‌ها و قدرت طلبان های بورژوازی در کشور جنگی است در خدمت امپریالیسم و ارتعاشی منطقه. جنگی است که در آن نه تنها حساسی از منطقه و مصالح طبقه کارگروند معایز محضتر در کشور ایران عراق نیست بلکه سفر بر سر استعمار و جیپاول هر چه بیشتر سربک هر چه وسیعتر است. جنگی است که نتایج آن تاکنون بجزبی نشان میدهد که از سو هر دو دولت بورژوازی تجاوزکارانه و ارتعاشی است. منظر از تقسیم این جنگ به دو مرحله تنها بر حسن برتن نمود تفرقه نقش ارتعاشی آن بر منظره نتایج و بازتابهای تداوم این جنگ پدید شکل گرفته است.

ارتقاء جنگ بین دولت‌های ایران عراق بر اکثر نیروی آگاهی پوشیده بود که نتایج این جنگ در خدمت امپریالیسم و در جهت تقسیم منطقه وسیعتر منطقه است. هم اکنون برای تلموشا حد شعله در دست نباید بی‌موجود است که نشان میدهد چگونه این جنگ به راه

در این شماره



● دو سالگرد

شهادت رفقای قهرمانان

فعالان بکوشیم

تا یادش را گواهی داریم

در صفحه ۱۰

خطاب به مبلغین

متن آموزشی (۱)

ایده‌ها و نظرات سازمان نیا است. به هر رو سرعت ریز افزودن و تابع و تحولات سرمایه‌آورد محمود باعث شده است که ضعف بیشتر و انقلابی بخصوص در زمینه تبلیغ بهترین نمونه را بیابد. اگرچه این ضعف عمدتاً در زمینه کمیت تبلیغ به چشم می‌آید اما گزارشات شعله در این مورد نیز حاکی از ضعف و رفاقه سا می‌رسد و به آن است که از ابعاد کلی نیز ملگرو مبلغین از بردگانی بر خیزد و آری است حتی در مواردی به علت عدم مهارت و اصول صحیح تبلیغ بخشی از تلاشها تعلیمی رفتارها به هدر می‌رود.

در شرایط بحرانی سرمایه‌پریم. نودها، در وضعیت بی‌ثباتی خود هر چند دل بکنند. از هم اما سر درگم و ناروشن، حیوان و سبوتشند. نمره‌های نااهل، پوچهای تبلیغاتی رژیم از سوی و از سوی دیگر فرهادهای گوشخراش را در پهای امپریالیستی و وابسته به ضد انقلابی و منسوب در هر کجا بکوش می‌رسند و در این میان آنچه نیست صدای پیشرو انقلابی است. از همین رو اگر سر در سردای پیشرو سازماندهی انقلابی و بسیج و تشکیک نود معاً و اعمال رهبری انقلابی بر خیزش آن آنان در این نیروی من آن جهت سازماندهی تبلیغ و تشکیک من



جشن گاوگری : صفحه ۴۰۳



کارگران مبارز ذوب آهن با اتحاد خود توطئه اخراج کارگران را درهم کوبیدند

اخراج کارگران ذوب آهن نهبخش شده جدیدی در آن سرپرست کارخانه برای سوار کردن حدود ۲۷ نفر از کارگران ساختمانها نیستند. کارگران مذکور به کارخانه مراجعه کرده و در اعتراض به این عمل بی‌شمارانه دست به تضرع زدند. روز دوشنبه ۲۷/۲/۶۱ موزه‌ها و عزم برای سرکوب کارگران و جلوگیری از تشکیک حرکت با بسیج حزب انبسی جای مداری آسان را و داشتند که با سنگ به کارگران متعصب حمله کنند. کارگران با در دست گرفتن تیرکوب‌ها و قندشان از تضرع را روشن کرده و عواطفی حرکت متحد و مبارزه گنه کارگران بود و طوفان اینکه روز بعد تعداد کارگران متعصب کاهش یافته بود اما متعصبان را با ناکست

رژیم جمهوری اسلامی تا توان از حد بحران اقتصادی و تشکیک همکاری چون سایر رژیمهای سرمایه در این می‌کوشد هر چه بیشتر به بحران را بد و تر کارگران و زحمتکشان بماند از آن. این رژیم ضد خلقی با جلوگیری از افزایش دستمزد، قطع مزایا و اخراج کارگران در شرایطی که برای و کمبود غذا می‌کند نهایت شوم خود را امضی می‌سازد. رژیم انبساط توطئه جدیدی را علیه کارگران و پرولتاریا در صانع و دینتو (از جمله ذوب آهن) آغاز کرده است. طبق خبری که موزه‌ها سرمایه تهیه کرده است کارگران پرولتاریا باید تعاونی‌های ده نفره تشکیل داده و بخشهایی از کارخانجات را در دسترس بگیرند. اکنون دولت با استناد از این طرح ارتعاشی برای اخراج کارگران پرولتاریا را اخراج کرده و کارگران اخراج شده در انتظار ایجاد تعاونی به لشکر بیگاران می‌پوشند.

بقیه در صفحه ۴

کمیته‌های اعتصاب را برای برپائی يك اعتصاب عمومی سیاسی ایجینار کنیم



بد رشته تحولات ملی و منطقه از تاثیرات سیاسی ارتشهای در منطقه برجای نیامده و چونکه در اولین مرحله خود زمینه کاملاً مساعد جهت تقویت موضع امپریالیسم و صهیونیسم و بحسب منی ارتقاء منطقه را ایجاد نموده است - در این باره و شواهدی که بحیثی نشان می‌دهد - چگونه رژیم صهیونیستی اسرائیل و رژیم فدرالیستی حاکم عراق هر دو ضمیمه تمامی های و صهیونیستی تشکلاتی شان به عامل اجرای سیاستهای امپریالیسم در منطقه به عاملی در خدمت تقویت صهیونیسم بدل شده‌اند .

عراق انقلابی که درهای بواج خلق‌های ایران را به حرکت درآورد تاثیر خود را بر توازن نیرو در منطقه نیز بجای نهاد از صهیونیستی رژیم در دست نشانده شاه یعنی قدرتمندترین رژیم امپریالیسم در منطقه شوروشوی افزون در این انقلاب و خلق‌های تحت تسلط ایجاد کرد و محدود حرکت رشد و توسعه جبهه مبارزات توپخانه گشت - از سوی دیگر تمام خلق‌های ایران زخمی کاری به سبب امپریالیسم بود - جزیره لبنان امپریالیست‌ها به طرفان کشیده شد پاری بر ستون از روش تمامی خلق‌های منطقه کوه زهر سابه شوم حمایت از امپریالیسم و ژاندار منطقه آنروز به پادشاهان سرکوب و استبداد متصل می‌شدند بر داشته بود مزدوران امپریالیسم احساس ناامنی کرده به وحشت افتادند - کلاطلاطم و غیره - ایجاد شده در ایران نقش شش در نوعیت نیروهای انقلابی منطقه ایفا کرده - امپریالیسم را در حالت تدافعی قرار داد نمود - انقلاب ایران توانست بر آگاهی صهیونیستی در تودمهای منطقه تاثیر قابل ملاحظه‌ای بجای نهد و سلطه ژاندارم منطقه به تضعیف حسیه ضد انقلاب و تقویت نیروهای انقلابی بویژه حسیه خلق سرور فلسطین انجامید .

امروز هم صهیونیستی اسلامی که از همان ابتدای بدست خوری قدرت رسالت با سازسی سیستم تیره خورده امپریالیستی و اعلام سیاستان انقلاب - را بر مبنای داشت سرکوب و سرکوب انقلاب برداشت و از این طریق عمل در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه تسریر کرد . رژیم صهیونیستی اسلامی با سرکوب مبارزات تودمها به حمایت از نیروهای ارتشهای منطقه (حین جنبش اعلی حزب الدیمیه و ارتجاعیون افغانستان) با تیز رفتن شدن و طرح دوستی با مزدوران امپریالیسم و مرتجعینی جسم صبا الحقی و سرود و آواز ترکه - و سایر آتش شده عربی و ... سرعت در تفسیر توازن قوا بدست نیروهای ارتشهای سرخود انقلاب حرکت نمود - جنگ ارتشهای دولتی ایران و عراق در این رابطه نقش ویژه ای ایفا نمود .

امپریالیسم آمریکا می‌داند که در ایران نیروهای انقلابی شدت سرکوب می‌کنند ، برخی از رهبران و نیروهای جنبش فلسطین سازشکاری را پیشه کرده‌اند ، سرپه صهیونیستی هر چه سرپرست برایشان می‌خواهد ارتقاء منطقه به زمان امپریالیسم شکل می‌دهد ، می‌دهد ، می‌زند برایشان از وحشت سرخوشی چون شاه پت از پیش به دامان پناه بردمانند ، با یگانگی‌های نظامی پیشکش می‌کنند ، خلق‌ها و منافقان را در مسلح او قربانی می‌کنند و قربانیترین شکل سرسپردگی را به نمایش می‌گذارند ، از این جهت از جمله و پیشروین بود در منطقه می‌دهد ، جنگ ارتشهای دولتی ایران هر از بهترین مستند را جهت آغاز این جزیره را اختیار امپریالیسم و مزدوران سرخود قرار داد ، آمریکا بهانه جنگ - جهت تسکین از تنش در منطقه و جهت حفظ امنیت و ثبات - مزدوران را به ایجاد سلولهای بند های سیاسی نظامی جدید و دست زدن و آشکارا به اختلاط سیاسی و نظامی خود در دسترس منطقه حاکم منطقه و خلق را در سراسر تشدید نمود - سازشکاری سرخود را در جبهه دفاع آمریکا و نیز فرستاده ویژه ای علیه

صفحه از صفحه ۱

ادامه جنگ

حسب به غایبانه و در این آن انحصار قرار آرد های در جبهه سیاسی نظامی با شیخ مرتجع عرب ، شکل گیری بد بلوک سیاسی نظامی در میان مرتجعین عرب به رهبری عربستان ، ایجاد پایگاههای نظامی متعدد گسترش و اغلات نظامی و محصور نظامی در خلیج و ... از اولین نتایج نخستین مرحله جنگ ایران و عراق بود .

رژیم صهیونیستی اسلامی با اتخاذ سیاست خارجی پان اسلامی ، با اتخاذ سیاست های توسعه طلبانه و حرکت در جهت ژاندارم منطقه ، سیاست ارتشهای و حوران زای را پیش می‌برد - بحر این که بهیچ روی در جهت ستاره و رشد انقلاب نیست - آمریکا نیز خصمی با این سیاست ارتشهای رژیم - سیاستهای خود را در منطقه هر چه سرپرست - پیاده می‌کند - با نتایج مرحله اول جنگ تنها بعد اغلات روز افزون سیاسی نظامی آمریکا محدود نمی‌شود بلکه هر یک صهیونیستی سرخود فلسطین نیز از نتایج این مرحله از جنگ بی‌بهره است .

دولت‌های مرتجع عرب در شرایط قبل از جنگ بر اثر فشار تودمها و همچنین بر اثر تعدادی که در رابطه با سیاست‌های صهیونیستی و یهود پرستانه با اسرائیل داشتند (همانند کوه سیاست پان اسلامی رژیم صهیونیستی اسلامی با سیاست جاسوسی و نیشی در تعداد است پان هر یک از ارتقاء هر یک از تعداد صهیونیسم قرار داد) در جهت جنبش خلق فلسطین و عدم تأمین آزادی بخش فلسطین تسریر میگردد و حداقل در چند گنهای ملی و تا حد و دی تسلیحاتی و همچنین برخی حمایت‌های دیپلماتیک به آن بازی می‌سازند - با شروع جنگ ایران و عراق مرتجعین عرب با انگیزه به ترمیمی تمام صهیونیستی مستعد سیاسی جهت ست کردن توجه یهود و افکار صهیونیستی در این جنگ می‌باشند - بیکه عدم تمیز در بین یهود و صهیونیستی اسلام ، برکتش اسلام به رهبری امام

باعث رو بگرد تمامی رژیم‌های منطقه به این جنگ و هدایت هر چه سرپرست آنان در صهیونیستی اسرائیل گشت - امپریالیسم و صهیونیسم توانستند با استفاده از این تحولات خصمی بیشترین نیروی ممکن را در منطقه پس خود جلب نموده ، نیروهای انقلابی را در شکار قرار دهند ، در این راه حتی اسرائیل در مرحله اول جنگ به اندک مستطین شکل مستقیم سیاسی غرضتیم به تقویت رژیم صهیونیستی اسلامی و کثرت به آن پرداخت تا قادر باشد از آرم این جنگ - بر برکت - که تبهاری ساخته توانسته ، نیروهای رژیم متخاصم ممکن بویژه پیشروین سود را بجوید -

این وضعیت - همانگونه که کاملاً مستقیم بود - به آنچنان وضعیت سیاسی تکاملی که تمامی زمینه‌ها را جهت صهیونیستی اسرائیل لبنان و سرکوب جنبش فلسطین حاکم منطقه در این میان دولت سرخود گنجهتیا زمینده اقتصادی از گانه شدت در صهیونیستی رژیم دارای حمایتی را که همه منطقه بود جنگ خارجی منطقه پان صهیونیستی و اسرائیلی شکل هر چه برایشان اتفاق افتاد - و با این نخستین مرحله جنگ - میان فلسطینی

تقد ارتشهای ایران و عراق - صهیونیسم به برکت جنگ ایران و عراق از موقعیت خرابی تا جبهه ارتقاء - حدت دارند - گویا در این غرب در سارده و اتحاد با اسرائیل نشان بسیار - تعداد های خود را با آن که در تقاضای مبارزه است - قضی است به نهایت رسیده است - دولت عراق در این باره به شیخ کاملاً مهربان به حکم مرتجع منطقه بهیچ وجه به حد اکثر آماده است تا آخرین مراحل سازند خود را امپریالیسم و حرکت سیاسی خود ارتقاء هر را اجرا نماید - جنگ فلسطین جزیره تا همه اسرائیل به لبنان در موقعیت مساعدی قرار گرفته است - شیرو که نزدیک به یک قرن سیاست‌های روی پریشانی این کشور است - فاجعه اخیر خود را با بار باره است - کاندیداهای راه رند غیر مایه در این و از آنجمله هر ، عراق و صیوه - گوی قطعی خود سوی امپریالیسم و ارتقاء مستطین شکل داده و می‌دهند در صهیونیستی کاملاً تدافعی قرار گرفته است و این است - وضعیت کنونی منطقه بر این ایام مرحله اول جنگ ایران و عراق وحشی است که خائفانه ای که رژیم صهیونیستی اسلامی در جهت اجرای سیاست‌ها و اهداف امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه ایفا کرده است .

در مرحله اول جنگ ایران و عراق که هدف امپریالیسم و یهود است کشاند فاشی در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی در ادامه این جنگ خانگی نیز بود - و این منس خود مگر ایران برای مقاومت در مقابل عراق را می‌پسند و همچنین از آرزوی سیاست‌های رژیم صهیونیستی و کثرت و کثرت انقلابیون از سوی رژیم کاملاً منقضی با اهداف امپریالیسم بود امپریالیست‌ها کوشیدند به تاکتیک و مستقیم و غیر مستقیم از آن حسیه غرور استخفه و تسلیمات به در کثرت ایران را تقویت نمایند - اما در شرایط کنونی در مرحله جدید جنگ عوامل بسیاری تغییر کرده است رژیم صهیونیستی اسلامی به این رژیم امپریالیسم و صهیونیسم کان حد که خواستار تسخیر میانه نیروهای منطقه و تسریر سیاست‌های خود بودند به این اهداف دست یافتند - از سوی دیگر بهیچ روی خواهان بیوزنی قضی هیچک از زمین جنگ نیستند

سلباً این امر سیاست‌های کنونی رژیم صهیونیستی اسلامی که در ادامه جنگ را به اهداف فرستاد جنگی شکل می‌بخشد همخوانی ندارد .

در شرایط موجود رژیم صهیونیستی اسلامی در این جنگ هیلتاک افکار است - در ادامه جنگ که همانا آرم هر چه شد به تهرانی کشتار خانه خرابی ، بیگاری ، گریانی و فقر آوارگی است تسلط زندهای تودمها بر این رژیم خواهد داشت - در این حال که پان جنگ با اقتصاد و شکست موجود نیز چشم انداز - حولات صهیونیستی تودمها را می‌تواند - در عراق شکام جنگ احتمال از هم پاشند - ارتش عراق در صورت طاعت انقلابی را ایجاد نماید خصم که اکنون در عراق موقعیت نیروهای سیاسی بگونه‌ای است که هیچگونه چشم انداز تحول رژیم موجود به یک صهیونیست را در حوضی رو قرار نم دهد - در بحث صهیونیستی از عراق یعنی کردستان عراق حسیه صهیونیستی از تودمها و حسیه صهیونیستی برخوردار است - در ارتش عراق بخش‌های از تودمهای آن کشور جناح چپ حزب بعث یعنی حزب کمونیست ها و صهیونیست‌ها قدرت دارند - حزب کمونیستی نیز از نفوذ و تشبیه قابل ملاحظه برخوردار است - در مقابل حزبالدیمیه عنوان سازمان سیاسی هر قدر هم صهیونیستی اسلامی از موقعیت فلسطین برخوردار گشت - نه تنها نبود این سازمان تشبیه بخش‌های از شیما محدود گشت بلکه غربت را در آمده و در چند ساله گشت به شکلات این سازمان ارتداد موضعی قرار داده است که بهیچ روی هنوز قادر به

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



اخباری از راه آهن :

کارگران بند قسمت ابراهیم راه آهن در اعتراض به عدم پرداخت حقوق اضافه کاری با اتمام آحاده کاری خود در ایستگاه خرمین دستگیر شدند. کارگران این قسمت روزهاست که در راه آهن خرمین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق اضافه کاری و حقوق دستمزد در راه آهن خرمین دستگیر شدند.

فصل جدید ۶۱ میلیون قسمت از کارگران دریافتند که با اضافه کاری و جوش در تعطیلات بیروز مانع خوابیدن کارشوند. کارگران نیز از آنجا که مزدهای کافی هزینه زندگی شان را نپرداخته برای تامین خرجشان اضافه کاری را پذیرفتند. پس از تعطیلات نوروز هم به روال سابق در ایستگاه خرمین این قسمت روزهاست تعطیل برای اضافه کاری می ماندند. کامیابسر از گذشته دو ماه هنوز پول خوری نبود. روز دوشنبه ۶۱/۳/۳۱ بی از کارگران این قسمت راه مد برداشته و از او در مورد حواصافه کاری فرودین وارد بهشت سلول می کند. مدتی که با مسئولین به این ساله وارد جمع کارگران به نفع خود نمیدانند از پاسخ تکلیف طفره رفت و میگوید کارم نیست. کارگر مزدی که از قاضی پهنرمی مدیونه ستوه آمده بود فریاد میزند: «چون فریب دادست تو دست من پول دادن دست تپتت و منفره کردی. شمارا حل زدی و سبترین ساعات عید را گرفتی. حالا هم باید پول مدیونه پیش من بر میانی مزد پول بگیری. مد فرستت. سراجت اعلام کرد که از پول خوری نیست. با شنیدن این حرف فریاد اعتراض کارگران قسمت بلند شد و بی از کارگران قصد گشت زدن مدیونه را داشت. اینکه حقوقی به ماههاست سرمایه داران رژیم جمهوری اسلامی و حمایت دهندستی که این رژیم با سرمایه داران پی برده بود. فریاد میزد: «تجارتا اعتراضت ظلم را مدیونید شاه نموده آن بود...» این امر بر میزبانان راه آهن بود که عده پرداخت اضافه کاری فریب پذیر نیست و کارگران در



خود نشان دهنده استوار بیشتر کارگران توسط رژیم جمهوری سرمایه داران است.

مدیریت یکی از قسمتهای راه آهن تصمیم گرفته بود که در آرای فرهنگت ساعت کار آنها. تصمیمات اشتباهت کارهای به کارگران دستزد بدهد. اما در اثر مقاومت اعتراضات در بعضی کارگران موفق به این کار نشد. در اوایل فروردین ماه کارگران توانست با مقاومت خود به مدیونیت کنند که به کارگرانی که حقوق آنها از سه هزار تومان کمتر است در مقابل فرهنگت ساعت اضافه کاری شانزده ساعت به سایرین دوازده ساعت دستزد تعلق گیرد.

۴ ساعت کار دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

ناجیز مار از جنگمان در آورند. تا وقتی مارزاد صورت فردی برانگنده است مزد برانسی چون سرهنگ رحیمی ها سالار بهابو... بر ما بیروز خواهند شد.

هنگار از بهر: راه پیروزی رسیدن به حقوق عطف خود فقط فقط مبارزات جمعی است. شدت و طبعه افکار شدن ساعت کاری برای رسیدن ساعات کار به ۴ ساعت و دو روز تعطیل در هفته و دیگر خواستهای خود مبارزه کنیم. مبارزات خود را حول کمیته مقاومت کارخانهها متشکل و هماهنگ کنیم و با کمکهای خود به افرادی که در راه مبارزه بازمیستند عضو حلقان کارخانه اخراج شده مانند از آنهاست و خانواده معاشان حمایت کنیم.

رژیم فدک کاری جمهوری اسلامی همچون سایر رژیمهای سرمایه داری تلاش میکند آخرین رفیق کارگران را کتشد و در مقابل کشتن مزد را به آنان بپردازد. اکنون در شرایطی که بیگاری در جامعه پیدا میکند سرمایه داران و رژیم حامی آنان با جلوگیری از افزایش دستزد کارگران و آنها را همیشه محتاج نگه میدارند تا بدینوسیله در مقابل ناچارترین مزایا و سوا تهدید به بیگاری، آنان را بیگار بیشتر و دارند بدینترتیب از استخدام کارگر جدید. همچنین کارگران راه آهن باید بداند که تا این حد اقل احتیاجات زندگی آنان به با اضافه کاری بلکه با مزد واقعی باید بر آورده شود. همچنین در واقع نیاز به اضافه کاری برای تامین زندگی و

اضافه کاری و تولید بیشتر در این کارخانه محیطی سرشار از بوی و بوشت ایجاد کرده است. کمترین سرپیچی از دستور سرپرستان و سوا به اخراج یا زندان شدن منجر میشود. در بعضی قسمتها کارگران علاوه بر اضافه کاری اخباری روزهای هادی، مجبورند روزهای پنجشنبه و جمعه نیز از ۷ صبح تا ۳ شب کار کنند بطوریکه بعد از آن ساعات کار دیگر رفیق در بدن ندارند. در رابطه با اضافه کاری ساعات کار و دیگر تعصباتی که در حیط کارگران میشود از طرف کمیته مقاومت کارخانهها سیاستهای اعلامی می منتشر شده است. در قسمتهای از این اعلامیه آمده است: «... ناماد اینکه مادر کارکنانی باشیم نه تسبیحانگران حلقه بیگاری ما را که مدیونیت کارخانهها کرد بلکه به هزاربند سبانه میخواهند حقوق

بچین شد و کارگران قسمت بست بندی نیز به حمایت از آنان برخاستند. سرپرست قسمت که در مقابل حرکت بکارچه کارگران عاجز ماند بود. برای یافتن راه چاره به مدیونیت عامل مراجعه کرده و از او کمک میخواهد. مدیونیت نیز با تهدید به اخراج میگوید کارگران را به کار وادارد. کارگران با شنیدن این تهدیدها دست جمعی بدقت مدیونیت مراجعه کرد و بصورت اعتراضی در ساختمان بافتاری میکنند. مدیونیت عامل به سبانه اینکه حلقه دارد از این فرست کارگران خود در میزند و آنها نیز به قسمتها بازگشته و در حالیکه دستها را میبندند. یکی از کارگران میگوید: اگر تمام کارگران متحد شوند هیچ کاری نمیتواند کنند. حقیقت نمیتواند کسی را اخراج یا سبک کند. سرپرست قسمت به جمع کارگران آمده و سبانه فریادان جنگ و سائل در میزند. کارگران را بکار وادارد. او قول میدهد افرادی که از او بترسند. اما کارگران اعلامیه کارگران را با کمک کولرها نصب نمودند که میخواهند کرد. مدیونیت به بیگاری و اتحاد کارگران را میبندد. به حمله جدیدی دست میزند.

مهمات سازی :

رژیم ضد حقوق جمهوری اسلامی با سرمایه داران حلقه همکاری با تمام در همه هزار تیرا که کشی را در دستگیران قرار داده و از سوی دیگر این حلقه ارتجاعی را برای استثمار هر چه بیشتر کارگران دستاویز قرار میدهد. هر اعتراضی سبانه حلقه سرکوب میشود. ساعت کار و دست کار بدلیل شرایط حسی بالا صورت میگیرد و با مزایا بسیار کم سبانه باقی می ماند. در این حال رژیم به علت نیاز به سلاح جنگ افزای بیشترین فشار را بر کارگران کارخانهها و صنایع دفاع وارد می آورد. رژیم برای وادار کردن کارگران با

قرقه زیبا :

روز ۲۲/۲ کارگران یکی از قسمتهای کارخانه قرقه زیبا در اعتراض به کمترین حقوق جمعی جمعی سبانی به تعداد کثرتها دست اندازیدند. کارگران این قسمت پس از دو ماه مراجعه به مدیونیت و ناخوش قسمت به این قسمت رسیدند که باید تا منظم تنظیم خود مربوط با وقت فشار داشته و به استقامت حیاستهایشان وادارند. آنها چند هفته قبل نیز برای دریافت پاداش بابت مدیونیت امتناع مدیونیت را مدیونیت نشینی واداشته و حقوقشان را دریافت کردند. این تجربه تا این اعتصاب را نشان داده و زمینه را برای حرکت بعدی شد. صبح امروز همه کارگران قسمت از صورت اعتصاب برای تسلیل حیاستشان صحبت میکردند. همی منتظر شروع حرکت بودند. ساعت ۱۰ صبح مدیونیت سبانی کشته سالی بلند شده و قهرمانی تمام سبانهها را محسوس شد. حصر اعتصاب کارگران این قسمت که حدود ۲۲ نفر میباشند سرمایه دار کارخانه



کارگران مبارز ...

پاره از صفحه ۱

پهز چهارشنبه ۲۹/۲/۶۱ مد بر حاصل دوشنبه
آهن (نیکو) بخطر نتیجه موضوع تعاونی ها
و فولادین آن به کارگران حلیه سخنرانی
تتیب داد. در این جلسه که با حضور نماینده
آگاه امام جمعه زین شهر برگزار شد حدود
حدود ۸ هزار نفر از کارگران شرکت داشتند.

مد بر عامل حیت فریبکاران مدتی در مورد
حیت صحبت کرد اما به محوری که مد بر عامل

بحث راه شرکت‌های تعاونی کشانید
بزرگهای مری برنلی افزود در مورد چندی
نقطه دیدای هشت هزار کارگر که فرهاد میزدند
در آرزوی مری برنلی ساکن راه لری
در آورد. کارگران که این طرح را پسندیدند
برای اخراجشان میدانستند. خدمتکن از
بناخت و پیشروی این مزدور سرمایه با شکار
مری برنلی مد کارگر بیوی او خطه کردند.
مد بر عامل و هشت زده از این خشم کارگران از
سایر تریخت و کارگران به تمجب او پرداخته
و قصد دستگیری و محاکمه او داشتند. در این
میان محافظین مسلح مد بر عامل و کار کارخانه
و سایر کارکنان شرکت نیز تیراندازی کردند
حرکت‌های یکباره آنها شوند و کارگران همگی
مزدوران مسلح را زایل میزورند انداختند.
اعضای انجمن و مدبران که میدیدند از دست
نورهای مسلح کارخانه نیز کاری ساخته نیست
به حریه فریب تمیل شدند. آنها همگی
آگاه شان اقبال کارگران کت و ما واسطه
قرار دادن جان ایا حازه میخواستند سخنرانی
از راه باشد. کارگران با شکستن قاب شماره
گردن مگر امام نشان دادند که هیچگونه
نهمی نسبت به این جلاز کارگران و زمینکن
نداشتند و محبت مد خلقی و رژیم
معمولی اسلامی بی بر ماند. در این میان
کارگران که به اعتراض به این عمل کارگران
شمار مری برنلی راده بودند تمیل
حیوه برای بیارستان شد. این جریانات
تاسعت بعد از ظهر یعنی ساعت تمیل
کارخانه از راه یافت اما کارگران از رفتن به
سز خودداری کرده و میخواستند سکا که نیلی
بودند. بالاخره ساعت ۵/۵ معلوم شد
نیلی با لباس مد از کارخانه گریخته است.
در اینجا کارگران یک قطعه نامه میدادای
صادر کرده و سپرد روانه منزل شدند. در ماه
اول این قطعه نامه برکناری نیلی استناد
اعضایان و وزیر کار حواسه شده بود و مواد
دیگر نیز به خواستهای صنی چون امنیت
نخلی مسکن و... اختصار داشت.

حیو این حرکتی سرعته به فولاد شهر
دو کشته شوی احمیان رسید و شعی و هیجان
مد ناید روی ایجاد کرده بود. کارگران
که نسبت کارشان نبود در خانه بسر میزدند
باستید. این حیره همراه جاواد معاشان
به استقبال کارگران انضامی شتافتند. آنان
در حالی که حد و مولد شمر جمع کرده بودند
با بدن گهای حیره فولاد شهر به کتاب
آنها بد روی اینجساز کارگران استقبال
نمودند. کارگران داخل اینجساز می
شمار اتحاد اتحاد کارگران انضام
میانشان برای سازه طبع سرمایه داران رژیم
حامی شان را انضام میخند و چشم انداز
باشکوهی را ترسیم می نمودند.

رژیم سرمایه داران مزد و انش و هشت زده
از مبارزات باشکوه کارگران و دیگران در شهر
حرکت به بخشهای دیگر کارخانه بدست
اتحادند. روز جمعه شویورن امضایان حدود

۲ ساعت از برنامه خود را به مسئله دوشنبه آهن
اختصار داد. نیلی که کارگران به ایا حازه
صحبت ندادند در طول روز در طویز و سرج
تعاونی ها دفاع کرده و برای اجرای آن های مفرده
پس از او امامی کاشانی (نماینده مجلس) و
مروتی (فرمانده سپاه پاسداران) نیز صحبت
کردند. آنها هر یک با فریب و تهدید کارگران
را به آرامش دعوت کرده و حمایت از سخنان
سرمایه داری می نمودند. آنها با یکدیگر را
به همکاری می طلبیدند. اما کارگران
با حرکتی مدعی می شدند که فریبکاری و
تهدید آنها را نشان دادند. روز شنبه
۱/۳/۶۱ حدود ۸۰۰ نفر از کارگران ساکن
در فولاد شهر بست کارخانه را همپای کردند.
آنها در حالیکه چند مکر امام را برای
جلوگیری از هجوم پاسداران بدست داشتند
باشمارهایی که در آنها خواستهایشان مطرح
میشد بست کارخانه را افتادند. اما در
بین راه با سرزنشهای پاسداران سرمایه
داری مواجه شدند و مجبور به فولاد شهر رفتند.
این حرکت مزدوران مسلح به کارگران نشان
داد که بهشت رژیم از حرکت مستقیم متمسک
کارگران است و داشتن چند مکر مانع سرکوب
مبارزات کارگران نخواهد شد.

پس از این حرکت مزدوران رژیم با استفاده
از مصلحتی کارگران سرکوب را شدت بخشیدند.
اقدام به دستگیری ۳۵ تن از کارگران نمودند.
اکتوبر خطر ابراج و همکاری بخش مصلحتی از
کارگران در سلان را تهدید می کنند. آنها
علاوه بر همه مصادره اکتوبر زندگانی کارگران
که میگویند با افزودن بر ارتقاء خود کار
و مسلطی را دسترس سرمایه داران برای تهدید
دانشی شایسته و تمیل شرایط طاقت فرمای
کار به آنان خواهند بود. سرمایه داران با
استفاده از ارتقاء کارگران علاوه بر این ابراج
مزد با کترین بهانه های کارگران شامل ابراج
شده و نیروی جدید استناد می نمایند. آنها
بدیگوته با ایجاد رقابت بین شایسته و دیگران
بیشترین فشار برای استعمار بیشتر است.
افزون بر شایسته باید ماوند. اکثر کارگران
شامل در میانها باید به حمایت از کارگران
اخراجی پرداخته و مشکل آنان را تسکین خود
بدانند. زیرا اگر ابراج آنان خود را تهدید
وجود دارد. اگر در این شرایط به حمایت
و همکاری با ابراجی ها نپردازند در آینده
آنان نیز در مبارزاتشان تنها خواهند بود.
آنها باید با ایجاد تشکلهای سازه مبارزه مبارز
طبع ابراج برای سایر خواستهایشان
بسر دارند. در شرایط کنونی که وضعیت
امتنافی امکان شکلی طبعی را کارگران ندیده
نموده است مناسبترین تشکلهای کمیته های
سیاست کمیته ای می باشد که از عناصر آگاه
ساز کارخانه تشکیل میشود. وظیفه تشکلهای
انضامی صوبی سیاست برای سرکوب رژیم
جمهوری اسلامی را بپذیرد. در این تشکلهای
کمیتهای با تلیت حمایت های کارگران و ارائه
نوعی نانت مبارزاتی در مبارزات رژیم
کارگران شرکت کرده و ضمن سالیانه رژیم
رهبری آنان زمینه را برای مبارزات آتی مهیا
سازند. این کمیتهای در میانها باید
با تلیت درخواست جاد فوری کارگران بمتوجهی
سازه برای بازگرداندن ابراجی و پولنگ
از ابراج سایر کارگران به دست آنها می آید
بپردازند. این کمیتهای وظیفه وجود یافته
به شرایط کنونی با ایجاد تشکلهای مبارز
کارگران را بر این تشکلهای مبارز می بیند
از کارگران ابراجی می خواهند. کارگران
اخراجی میتوانند در این تشکلهای مبارز و
سازه خود برای بازگشتی مبارز آمده تشکلهای
این تشکلهای مبارزاتی برای سرکوب
اعضایان کارگران خلق نیز خواهند بود.

حیت ممتاز

بد سال سه استفاده کارکنان شرکت
تعاونی و صرف از سهام کارگران به صرفت
بودن احتیاج داخل فرشته کارگران این
کارخانه در اختیار به این عمل روز ۲۱/۲/۶۱
در مسئله کارخانه دست به تمیل زدند.
آنها در حالیکه شمارهای از قبیل دست
زدان قطع باید کرد. میدارند
مانع باز شدن فرشته شدند. در این میان
نماینده شورای ترابشی به جمع کارگران آمده
و از آنها خواست که به سر کار بازگردند. اما
با مخالفت شدید کارگران مواجه گردیدند.
سرمایه مستولین کارخانه مبارزات مبارز
رژیم که همواره آماده دفاع از مزدوران می
رژیم هستند تمیل شدند. برای انشور
پاسداران بر واسطه در فرشته را باز کردند
و همواره بیشتر اهمیت کیف رژیم و ضرورت وحدت
کارگران برای سرکوبی این رژیم ضد خلقی
را نمایان ساختند.

با کمکهای مالی خود سازمان را ناری رسانید

رقا! در شرایطی که رژیم ضد خلق میکند
بهر طریق ممکن نیروهای انقلابی را سرکوب
نماید و در شرایطی که رژیم میکند جسم
مقابل با انقلاب تمامی محدودیت های ممکن را
بر ماتحمل نماید. مدارک مالی بهی از پیش
تکلی حساسی در شهر مبارزه کسب میکند.

اینکه جمع آوری و ارسال کمکهای مالی
و غیره برای انقلاب می آید که بهی روی تمامی رقا
گردد. در تمامی جوان طمکانات خود را در راه
جمع آوری کمکهای مالی بکارگیرد و از انظر
سازمان را در کشور مبارزه انقلابی مبارز
رساند.

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ به ریال	کتاب
۱۰۰۰	نظام
۱۰۰۰	نظام
۱۴۰۰	نظام
۶۰۰۰	آلکاروب
۱۵۰۰	کودکیت ایران
۱۰۰۰	شبهه کتاب
۱۵۰۰	شبهه و
۱۵۰۰	شبهه زمین
۱۵۰۰	شبهه نظام
۱۰۰۰	شبهه
۵۰۰۰	شبهه
۲۰۰۰	شبهه
۳۰۰۰	شبهه
۱۰۰۰	شبهه
۲۰۰۰	شبهه
۱۵۰۰	شبهه
۲۰۰۰	شبهه

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

حزب را میسر آوردیم. کجایان کف میسوم

یادداشت‌های سیاسی ...

ادامه آن ارائه دهد و نباید حداقل از هزار تنه‌ها را یا خیلی چشم‌گیر شامل در آن اما سوی دیگر شسته آن است که رژیم با تعصب نمی‌تواند از حرمت حنکی صرف نظر کند. مراد حنکی هم‌چگونه چشماندازی برای پاسبان حسنه نسبیست مگر سرنوشتی. حقیقت این است که رژیم بشدت وقت‌شناس است. خود کفای که رژیم اینگونه بد روح بادش کرد می‌باشد است ترکید فاست. و از خود به جز انزایش شده استکای رژیم به واردات چیزی باقی نمانده است. چرخ رنگ زده صنعت پاسته با زهر سرخه صورت‌گمین به تنبیه به گردش را زنده کرده است بلکه پیش از پیش‌لنگ گفته است. تنها به حقیقتی ارزی رژیم نفت بوده و هست اما از سخت‌ند از سطحی نابودی بالا بشکاهیا و بسیاری از سطح و مراکز نفتی در حین استراتژی و از سطح دیگر وضعیت بازار جهانی و با نداشت آن از نفت رژیم را از این منبع درآمد تا حد بسیاری محروم ساخته است. تا آنجا که طوری چاره‌جویی‌های متواتر در اوج برای فروش حدود ۱ میلیون بشکه در روز اکتیو تنها چیزی در حدود ۱۰۰ میلیون نقد ارز را رژیم با تهنیتی نازل تر از قیمت‌نسیب شده اوج به شش میلیون و نوزده هزار محروم از این کسری در شرایط و شکستی اقتصادی. در بحران در شرایطی که کشیدن نجات ارزی رژیم چگونه باید تامین گردد ؟

رژیم در این مورد راهبای بسیاری را تجربه کرده و میکند. رژیم به آخرین و حصر قریب منابع درآمد نسبیب شده فاست. از جمله آخرین موارد آن ۳۰۰ بیجه فروش کالا های شتریکه و قاچاقی و با اعدادی از آن فراز می‌کند کشور خارج میشوند یا بیانه که به حنکرنگ در زمین گشتن و شقه‌های کلان می‌بندد. صفحات ایل روزنامه‌های رژیم نیز مدت‌هاست که سرراپا اکتیو های مالیاتی که به زبانهای مختلف همسر بیان و آشکارا می‌کنند و حقوقی و و انتدگان و مالکین و کسان و خدایه تمامی هموطنان را ترغیب و تشویق و در نهایت نیز تهدید میکند تا سر مالکیتا ی خود را بپردازد.

اما هیچکدام از این روشها پاسخگوی بحران فراوان اقتصادی نیست. در همین حال از آن رو که تمامی این شیوهها بار حنکرنگ را بر مستقیما بر شانه‌های خلق شده‌دهد. مقرر و گرسنه فروم‌هاورد خود بحران زاست و اعداد و شمتری به بحران سیاسی موجود می‌دهد طرح مسئله تحررات حنکی. سوویز به مدوه بر وجود دیپلماتیک. در ارتباطات سنتیه با روشنی اقتصادی است. رژیم می‌تواند از این عرصه در زمین توجیه‌حنگه بار سیاسی معاشی را که تنها عامل آن قدرشناسی و تنظیمی رژیم‌های ضد خلق ایران و عراق بوده فاست پیش از پیش‌رویش خلق شده‌دهد عراقی می‌تواند تا کمر از این راه خود را نجات دهد. رژیم می‌تواند همانگونه که تاکنون به‌به خانه عراقی مقرر و بی چیزی حنکرنگ‌های ایران غیر نشن خود را تقایم بخشیده. اکتیو بیانه تکیه بر جهانی و استناد و می‌شانه خلق عراقی مگر بر بحران فاشی آید.

بحران گسترده‌تر از آن است که نتوان آن را با این طریقی مهار کرد. در دست و پا زدن‌های رژیم کار ساز نیست و برت حنکرنگ اسلامی حنکی است.

زندگی که مینوان آنرا در گسود و سایل نقیسه عمومی. گسود اما کن عمومی خدیبات و حنکی خود برق و قطع آب مشاهده کرد. آنگاه که با فشار ها و آزار و ازبیت مزبوران رژیم توأم می‌گردد. اعتراضات و مبارزات توده‌ها را احسان گسترده‌تری می‌بخشد. در خانه سفید تهران خواب کردن چند خانگی با اعتراض اهالی روبرو شده فاست. بختن آب بر روی مردم خشم بسیاری برانگیخته و اعتراضات را در اشکال مختلفی که هنوز بیشتر حالات فردی، کوتاه مدت و جمع سازمان بر آن غالب است در امن رعایت. هم کل کار رژیم به آنجا کشیده که در بنگدگی های سازمان اهالی را با نام صدا می‌کنند تا در نماز نمازی شرکت کنند اما باز هم کار و بار گسود است. و مردم حتی به صدای بلند گو ها شده با اعتراض کرده‌اند.

بهر رو خشم و کین انباشته شده نرسوده ها اینبار در اسلام شهر شنگ مبارزه‌های حاد و روبرو با رژیم خود گرفت. توده‌های زحمت کش بار دیگر ظهور سرکوب و اعدام و حرکت حنکی مبارزاتی را بکار گرفتند. بر معاشی تری را دریدند و تا فاصله بستیم با نیروهای سرکوب رژیم پیش رفتند. کارگران و زحمتکشان شان شهر تا آن زمان که امتیاز خود نظر را گرفتند و به خواستهای خود دست یافتند گامی به عقب نسیادند. رژیم بر مقابل هر چند به وضاحت سیاه متصل شده (و زحمتکشان بعضی معنی و سطحی سیاه را می‌دانند) اما وضوح با توجیه به حنکی کیفی با دست زدن به قطع آب شهرک طالبی. به سیاه دادن آب به توده‌ها. توده‌های زحمتکش را در مقابل بنگدگی قرار نهد اما پس از این دست تحریک ملی. در واقع با توده‌ها همفکری و انقلاب و ضد انقلاب شنگ مشخص تری بسفود گرفته است توده‌ها سرکوب و پایمال کننده حقوقشان را بعضی می‌نمایند و از پس رو چنین حیل‌هایی کاملا رنگ ساخته می‌نمایند.

این طلب‌های نهن در مبارزات توده‌هاست. هر چند این بار حرفه در اسلام شهر زده شد. هر چند اینبار این کوه کینه و نفرت. این کوه انباشته از خشم جوانان در اسلام شهر سر باز کرد. اما با هر قدر خالص‌سیده دروازه خار در حواره و زورآزمایی و در تیریز با اهدان شمال. در هر گما که کارگری بار پس استنار را بر دوش می‌کند. در هر آنجا که زحمتی حاصلی از دست‌خود خود نمی‌سرد این اشتر فروزان را بزیر خاکش درید. اینک بوته سردی که بر روی مبارزات توده‌ها بسته است سیار تاریک گشته است و در هر گوشه با عنوان مبارزات توده‌ها دریده می‌نویسد. اسلام شهر نمونه آن است که بعضی نشان می‌دهد فشار خاندانهای اقتصادی، گروانی و بهکاری آنجا که دستگیر را می‌کند در حین ساخته است. سهراب سرکوب و اعدام و در حین معاش موجود به حدی رسیده است که دیگر رژیم تمام دیدید است. زندانیا و شکنجه و ظور آن که در بنگدگی در کس است شده ساخته در سینه توده‌ها راهی به جوی می‌ماند.

رژیم اینک همه شلیمات حنکی خود را بر مبارزات متعارف و همانا تحررات حنکی نیاده است. هر چند رژیم که اینک حنکرنگ را مایه حیات خود یافته است باید بهانه‌های جهت

اسلامشهر. مدنی وضع اشفته آخر سالی در اسلامشهر واقع در خانه تهران ساوه اهالی سخته معنوی اسلامشهر حاد تهران ساوه را بستند. گروه کثیری از زیر و بود و کودک با نشنش زخمیوار در دوحرفی حاد تهران ساوه از صبر و بر و صانع تکیه بر این سر چنکرپی کردند. اهالی محمدی اسلامشهر بر گفتنی با حنکرنگ کجایان اظهار داشتند: سخته معنوی اسلامشهر سالهاست که در معن ناستان مدنی به این سخت در حقیقت است و سنجش هم‌چگونه اندام در این صورت معن نیاروداند. همین گزارش حالی است که ما بران پس‌راه حنکی کشودن خانه تهران ساوه با مردم مذاکره کردند که متعانه ششمانی حاصل نشد و حاد شده است. ساعت ۱۰:۳۰ در نهم روز دوشنبه گذشته صد و پنجاه و سه نفر از گزارش خانه تهران ساوه بر از یکسانت سده بود چون با وساطت برادران اسد از یاز شد و سنجش منطقه به حاضر حیات با کس سخته معنوی اسلام شهر آب آشامیدنی اهالی کوی طالبانی اسلامشهر واقع در بالای خانه اتیان واقع گردید تا آنکه آب حاد گام به پایین خانه رسید. لازم یاد آوریم اهالی کوی طالبانی بعضی دست سبز نظر کس آب آشامیدنی سدرند و سخت در مصیقه هستند.

اینبار مردم زحمتکش اسلام شهر برده‌ها یوم و وحشت را دریدند و خشم فروخته و سرح خود را جاری ساختند. نمونه اسلام شهر در ۲ ماه اخیر تنها نمونه نبود فاست. هر چند که در جوار مبارزات کارگری چون اعتصاب کارگران - بوب همین شاید از نمونه‌های برجسته در اعتراضات و مبارزات توده‌ها باشد. ساکین پروازه فار تهران در مقابل تصدیب خانه های کوی دست به اعتراضات برانگد های بر ماند که اشکال حنکی در آن روه بر شد و افشته است. برسی نیروی‌هوانی در مقاله با اعمال فشار ها و سیاستهای ضد خلقی رژیم دست به مقاومت و اعتراض زد فاست. این حرکات به درگیری بین برسی نیروی‌هوانی و سپاه پاسداران انجامیده که تمدادی دران زمین و یاز داشت شده فاست. حدود ۱۰۰ نفر از همکاران چابانه وزارت ارشاد اسلامی در اعتراض به اشکال اعتراض ۱۰۰۰ نفر از همکارها شاد بدت ۳۶ ساعت اعتصاب کردند. کارگران بر مقابل معاشی های غیر فام و همجنس بر جماعت نمایند های اما و در نین معصوم تا به مقاومت کردند. اعتصاب در سیات سبه بود و ریس با سپاه انجامید. مردم زحمتکش شاد آباد صورت حنکی طی نامه‌ای به وجود بلند گیهای سخته اعتراض کردند و خواستار قطع بند گوها شدند.

آینه کاملا روشن است و آنچه که برای هر کسی که با توده‌های مردم در تماس قرار دارد. کاملا معصوم است این است که زنده‌های اعتراض در معاش عمومی. در صفتها. انجمن ها و تاجکس ها بر حدت و در هر آنجا که توده‌ها با یکدیگر تماس و صفتها و به رشد سپارده است. اشکال اعتراض حنکی بر وسیع تر گشته و توده‌ها مرحله فرزند های سیاسی از آنجا به اعتراض در معاش عمومی آید بر می‌بندد. نمونه‌های متعددی از این گونه اعتراضات و حرکات در ۲ ماه اخیر دیده می‌شود.

این جو عمومی که تحت فشار های شدید اقتصادی اجتماعی به توده‌ها ایجاد گشته است در شهردها و محلات کارگرنشین و زحمتکشین اشکال ویژه و رشد یافته تری را به ارست. تحریر جامعه با توجیه به توانی آرامشور - سود سبابت و حدنا تا اوجیسه

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

مجموعه از صفحه ۱

خطاب به ...

مجموعه از صفحه ۱ ... خطاب به ... در واقع این ... هر چه از صفحه ۱ ...

خصوصیات پند مصلح

مجموعه از صفحه ۱ ... در واقع این ... هر چه از صفحه ۱ ...

مجموعه از صفحه ۱ ... خطاب به ... در واقع این ... هر چه از صفحه ۱ ...

ایده‌های دیوکراتیک یعنی تبلیغ ایده‌های که

مجموعه از صفحه ۱ ... خطاب به ... در واقع این ... هر چه از صفحه ۱ ...

پند مصلح باید بر مواضع سازمان تسلط کامل داشته باشد

مجموعه از صفحه ۱ ... خطاب به ... در واقع این ... هر چه از صفحه ۱ ...

باتوجه به اینکه مهم‌ترین موضوع کمپینها

مجموعه از صفحه ۱ ... خطاب به ... در واقع این ... هر چه از صفحه ۱ ...

مجموعه از صفحه ۱ ... خطاب به ... در واقع این ... هر چه از صفحه ۱ ...

کمپین‌های متغی مقلوحت را بنقد در هر کشور و روسا ایجاد کنید

خطاب به ...

تعداد زیادی که برای وسیعترین انتشار توده‌ها و در حیطه قابل‌درد و پسرانید. بد صلح یا بد جنگی کامل با مسائل و فرهنگ توده‌ها آشنا باشد و در تمامی دست‌های مردم به هم می‌آیند آنها می‌پسندد... این سخن از توده‌ها به معنی آنست که صلح با پسران کسین برادران پسران می‌پایان پس محتوا، از گارگری الفاظ و لغات در زبان، از سخن راندن با زبان فرمولهای کتابی و از تکرار کلمات بهره‌برداری (گارد) برای آشنایی به زبان توده‌ها توجه به جملاتی که مردم در محاورات روزمره بکار می‌برند بسیار بیشتر است. توده‌ها برای توصیف نظرات خود از جملات ساده و بسیار ساده‌ای استفاده میکنند که در همین گوتاهی حق مطلب ادا میکند. با مراجعه به مقالات مردم چه می‌گویند و از زبان دشمنان توده‌ها خوبی می‌توان بسیار زبان محاوره‌ای توده‌ها و روحیه گوناگون آشنایند. این مسأله از آن جهت است که این مقالات از میان صد ها گزارش برزیده شد موضوعا حاصل بر خورد صد ها مریض با مردم است. در میان کتابها گسترگانی را میتوان یافت که از لحاظ نگارش زبان توده‌ای به پای کتاب نگذار سخن بگویند. در میان زبان معاصران بگویند از زبان ساده‌تری مباحث دولت و انقلاب و... اجتناب از کلمات و کلمات و شیواهای سنگین که برای هر فردی قابل‌فهم و درک است. زبان این کتاب بقیل در شرح زبانی است که هر کدام آن، هر ایده آن، اندیشه‌ها و احساسات گوناگون را می‌نگرد. رانمکنر می‌بازد. مطالعه این کتاب بکف صد هرگز کم‌های از ضرب المثبات ایرانی را به رفقای صلح توصیه می‌کنیم.

یک صلح نباید به روانشناسی اجتماعی یعنی روحیات توده‌ها و مسائل آنها است. این صلح باید از میزان آگاهی و شناخت با راندن مطلب باشد. در این صورت تبلیغ را از واقعیت که بر همه‌چیز معلوم است شروع میکند و استفاده از آن در پیوستگی که مرد با کاه نیستند با توجه دارند به آشنایی به عده‌ها. مثلا از زبان دشمنان مردم آشنایی به هر کس که این مقدمه اگر به توده‌ها محسوس کارگران و مردم می‌پسندد از بی‌سری به ضد جنگی بودن خمین واقف می‌تواند آمانت به ظل خلف خود معای اوچندان آگاه نیستند در این صورت بکنفی که بر این امر آگاهی دارد هر جا از می‌تواند آسان می‌گردد به ماضی خیمین را توضیح دهد اما در مرحله اول که هنوز توده‌ها نیستند به خمین متوجه بودند خمین می‌گوشیدند از طریق مقایسه عملکردهای آنها و معایب این تبلیغ را زایل کنند. یک صلح باید نسبت به مسائل روزمره که در جامعه می‌گذرد و بسیاری توده‌ها توجه بر آنست که کاملا محسوس بوده است اطلاع کند. گران شدن ناگهانی صلح حس، قیمت اجناس عده مریض مردم، مسائل مربوطه در باره جنگ، حمله به کوهها، کاهنه میزان مرغ ماهانه، بالا رفتن مانیات... این سخنرانیهای مقامات در مورد زندانیها و دستگیرین و در نتیجه توزیع کتف خانه‌ها و تسمی اهدا می‌آید... مسائل است که بیرون توده‌ها است و صحبت‌ها پیشان عموما چون آن در مورد مردم عدم اطلاع یک صلح از این مسائل باعث معطل بودن در صحبت می‌شود بالاخر تا جایی گفتند است برنامه‌ها و متحدان سیاسی شوریه‌ها را نشان کند و اخبار را بویا حار می‌راکتور دهند. مثریت رخصتشان مطلب می‌برنایم و پسران در آن وقت با جانی به صرف مادت شوریه‌ها می‌سند بار از پوینت می‌کنند در صورتیکه بدرت روزنامه می‌خوانند. بارها دیده شده مطلب فلان برنامه شوریه‌ها فلان اتفاق در دست سخنرانی با رخصت خمین دهان بدندان هر چند و نقل شده. همچنین بکف تاسور ساه وصف پسران انقلابی عده گوت از مردم برادر بویا ضد انقلاب گوت، عده هستند که

مردم به دست جهت زد و در مجموع آنها بر برنامه‌ها و ایراد بویا احاطه پیدا کنید. اینها نکات حقوقی است که محسوس برای ارتقاء بیشتر بود بشر تا توده‌ها باید مورد توجه قرار دهند.

تبلیغ شفاهی و اشکال پیشروان

تبلیغ شفاهی، آن شکل از تبلیغ است که در بیشتر اشکال انتشار توده‌ها قابل پیشرو است. اگر تبلیغ کسی پیشرو باشد، نیروهای مترقی مدتها پیشتر توسط او در بر صورت تبلیغ شفاهی مدتها پیشتر اشکال تبلیغ در رابطه با انقلاب مانده است. یاد می‌رود اهمیت این شکل از تبلیغ در کار انقلابی مصلحت‌محور است. می‌توان از اشکال تفاوت تبلیغ شفاهی یا مردمی، گذشتگان از پیشروین و توارهای انتشار که گذشتگان حضور دارند تدارک می‌توان از سخنرانی برای توده‌ها وسیع یا محدود، شرکت در جمعهای توده‌ای و... نام برد. سلفکار در شرایطی که گسترش سازمان مردم‌جسوری را برای در شرایطی که گسترش در زندگی رژیم در هر گوشه بر سه می‌زند سخنرانی برای توده‌های وسیع ضرورتاً طبقه‌های پایین گردستان و با جزئیات از کارهای مردمی چون حمایت سلفکاره و غیره نیست و به ضد تبلیغ شفاهی را همانگونه که کارها نشان می‌دهد به بحث‌های توده‌های (منظور بحثهای بین رفقا و هواداران با کارگران و زمینکنان است) تشکیل می‌دهد. از همین رو مانیز از همین کاتال به بررسی پیشرو تبلیغ شفاهی می‌پردازیم.

صرف نظر از آنکه بحث‌های توده‌ای به علت جوهر و وقت‌های هر چند این جوهر به مرور تضعیف می‌شود - آنچه کاملا بارز است آنست که رفقای صلح ما در وجه مطالب بر اشکال پیشرو موفقیت آمیز نیست تسلط لازم را ندارند. در زمینه مدتها پیش اشکالات رفقا در بحث‌های توده‌ای می‌توان از برخورد جنسی با تبلیغ شفاهی پرکندگی گوئی و عدم طرح و پیکردن یک ایده و شی بانی را نام برد.

برخورد جنسی به تبلیغ شفاهی

۹۱ نوشته... عدم آگاهی و توجه هواداران به اهمیت این وجه از تبلیغ این ضعف شکل‌های زمینی در آورده است. اکثر رفقا به سبب تبلیغ شفاهی شکل یک وظیفه انقلابی به فعالیت ضروری نگاه نمی‌کنند و همان برخورد به تعاملات جنسی و رفتنی برخورد می‌کنند. این نوع برخورد به تبلیغ شفاهی اگر چه نسبت به سال گذشته تضعیف شده اما هنوز بر فعالیت‌ها است. البته تبلیغ شفاهی به علت ضرورت موجود در شرایط فعلی نظیر: فقر، غریب‌انگیزی و... در این امر همچنان برخورد رفقا با آن به صورت امری جنسی میباشد. غالب گزارشات حاصل به بحث‌ها و صحبت‌ها نیست که برخورد رفقا به مردم شکل گرفته است. هادی برخورد رفقا به مردم شکل گرفته است. معدود در رفقای که به ضد تبلیغ شفاهی به میان توده‌ها می‌روند و معدود در رفقای که با مردم سازمان یافته به می‌سند. تدارکاتی چون محبت رسیدن به ضد بیاد می‌شود و بحث‌ها را از شده بود اما محسوس بود مردم در پاساژ بسیاری از گزارشهای توده‌ای به روشن‌ترین صورت صبر برخورد انقلابی رفقا است. این هرگز به آن معنی نیست که رفقا گزارش برخورد‌های انقلابی خود را نمی‌سند بلکه صحبت بر سر محبت داشتن این اشک از حرکت در بین رفقای است که در بعضیها عدم تألیف است. تبلیغ بر موانعی که با توده‌ها در تماس نباید باعث شود که از انجام تبلیغ شفاهی به شامه‌میلو می‌شود. شمع با سازمان‌های مشعره قافل می‌سازیم. تبلیغ نباید محدود به توزیع ارگان، تهیه سخنرانی، شامه و تفرات و... نیست. رفقا می‌توانند و باید در کار و عمو در تبلیغ بحث از مسائلی روز به روز که در روز رفته راه تبلیغ شفاهی اختیار دارند. به ضد صحبت با مردم و به وقت آزاد سازمان‌دهی تبلیغ از خانه بروی آنها به محل جمع توده‌ها یا میان خمین می‌روند مردم راه صحبت نگاشتن، به بحث در این برتنند. امتزاج را بر آنکه دست و پست و سود دهند و اساساً پیش شرط موفقیت در بین اموزانمانده جنسی

تدارکات جنسی این است. بعضی از افراد می‌توانند با یاد هی خیرت در امدت در جهت نشر تبلیغ آشنایی و دست‌های دست‌های مستعد را می‌آیند. اینست که در مقدمه صحبت‌ها ضمنی در توده‌ها به دگر شد از حد و به زود هر چه در شمع مثل از رفتن به میان توده‌ها است در این رابطه می‌توان به نکات زیر اشاره کرد. در برنامه‌های خود اوقاتی را به رفتن میان مردم اختصاص داد. رفقا در وقت شام و صاف انقلابی در اجرای آن بیشتر وسعت باید. به غیر توسط هر فردی هوادار حقیقت است و در وقت حقایق ظهور برای تبلیغ شفاهی وقت نگذارند. رفقا اگر در ترکیب و مقوله (که در حضور مردم هیچ ارزش خاصی با هم ندارند) حرکت کنند راندن تبلیغ به مقدار قابل توجهی بالا می‌رود. در تبلیغ شفاهی از یک نفر ستانند صحبت با هم بحث را آغاز کنند و به بحث در این بینند از واحبت برهند و به شکل حقیقت آمیز به بر ضد خمین اگر با در ظاهر تفاوت باشند که زمینه مساعدی جهت بحث ایجاد می‌گردد. به جادری و بی‌محابا به یک کار می‌روند کار به بحث خانوار است و دانشجو و... ترکیب است که تبلیغ شفاهی می‌تواند به خوبی برود. در بعضی‌ها هوادار ضمن تقسیم کار حتی الحاد رفقای که به علت شرکت زیاد در بحث و با مسائل در سطوح انفرقا بالاتر شاعره شده‌اند بیشتر به کارهای روزمره مثل چاپ و تهیه دست‌نویس... برادران در رفقای که در تبلیغ شفاهی شرکت می‌کنند، محاسنی که برای تبلیغ برتر می‌شوند (در تاکتیکها، سازمانها، محاسبه اتیوین، تهیه‌خانه، محل جمع کارگران بحث یافتن شکل و...) اگر از قبل زندگی تبلیغ در بر باشد دست‌های از آنست در این صورت امکان می‌رود نظر و عمل هر فرد حضور مردم در آن قضا شناسایی شد تا بتوان برای حضور مردم توجه ضعیف فراهم کرد. مثلا وقتی سوار اتیوین نازی آباد می‌شود باید صحبتی در وقت رفتن کاملا محسوس داشته باشد و وقتی به بیانه دندان در درگاه در مانده می‌روند در مقدمه می‌توانند به آشنایی در مانده اصلا به رفتن در وقت و در بیان سخن آتوین باز است بانه این اطلاعات را می‌تواند فلا تبلیغی دریافت کرد. توجه کنید که بعضی‌ها در جهت تبلیغ آسانها می‌شود و به تبلیغ می‌گردند در این حالت باعث شناسایی شدن خود در این جهت صورت از تسلط چند تبلیغ با یکدیگر می‌توان با تغییر تبلیغ شفاهی در یک خانه شکل دستر انجام داد. اگر از آنکه تبلیغ شفاهی اگر چه خاترات حاضر در یک محل از قبل مطالعه داشته‌اند بیشتر به بحث بوق در خانه‌ها می‌روند زحمت‌های کمه و مانده‌های حوالی خوشی می‌آید معمولاً معارف در کار کارگاهی و به بر راندن و... هستند در بحث با این افراد می‌توان جدا را بر مسائل مطرح آشنایی به صحبت کرد بازار غره و تفریحی و گزینی. رفقا در کنار تبلیغ به ضد تبلیغ آید معایب دیگر آنکه در آن حال آنکه در اتیوین شهرکهای جاده ساوین به سائل و اخبار کارگری برای حالتین به مدت کارگرفته بودن شهرکها حضور و آشنائت و باید در وجه غالب حول آید معارف و سالیان تبلیغ را پیش برد. در این حالت شناسایی ظاهر یا بیشتر مردم محل برای تبلیغ ظاهر خود با آنها صورت و از در ملازم بعضی معلات تیار اگر اخبار رسیده می‌شوند حال آنکه در بحث دیگر می‌توان چاره‌ها را می‌سند و به سخنرانی می‌توانند سبب توجه می‌کنند. سخنرانی باید تا سبب پاک باشند و اعلامیه نوشته و دست‌نویس مکرر و تفریحی تلقین با هر گونه سفرد در هر سبب انداخته باشد و حتی در سبب چون تاخن گسر، چاقو و سوزان که می‌توان رژیم تاخن گسر، به دهنده با خود حمل نگردد. قبل از هر چه از خانه تجهیزات مناسب را می‌سازد. قبل از تبلیغ شغل و آدرس محل رفتن، عید و ایام و... سبب تاخن گسر است که در صورت دست‌نویس می‌سند تاخی رفقا باید در این مسائلی که در دست‌نویس از مردم می‌توانند به سبب تاخن گسر و دست‌نویس می‌شوند و در کار و آدرس تاخن گسر از آنها گرفته شده در صورت حاکمهای سلفی

تبلیغ شفاهی و اشکال پیشروان

برخورد جنسی به تبلیغ شفاهی

هر چه گسترده‌تر یاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

هر چه گسترده‌تر یاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

خطاب به ...

بخش از صفحه ۸

ادامه ...

بخش از صفحه ۸

از فرار رفتن در جهت سپاه خلاص میشوند -
از هر صحن پس از هم است . باید در صورتی
که در هر صحن زندگی واقعی خود را میدهند
پس از حرکت آنجا از نظر یک بودن کاملاً
کنترل کنند و در هر آن بصورت آدرس دیگری که
از هر نظر فایده توجه است آماده نمایند . در
مورد شغل در شرایط دیگری متداول ضرورت
حتمی ندارد ولی داشتن محل شغلی یک
امتیاز است .

پراکنده گویی و عدم طرح یک ایده مشخص

یکی از ضعفهای تبلیغی بالاخر در بحثهای
توده های مردم موفقیت در طرح و پیشبرد یک ایده
مشخص است . درست است که در بحث روی
مغز ما باید معانی وسیع نیست اما باید به یک
ساله توجه کرد که مردم قادی طرفیت محدود
برای درک چندین ساله در طی یک صحبت
کوتاه دارند بخصوص اگر این مسائل متعدد
بدون ارتباط با هم بصورت منقطع طرح شوند .
صرف یک کربن در هر چه ایده های متعدد و
حتی باید و نباید آنها دلیل آن نیست که آن
ایده ها روی مردم تاثیر لازم را داشته است .
در اکثر بحثهای توده های مردم پراکنده گویی و
شرح مسائل و ایده های متعدد حاکم است .
این ضعف در دو مورد نمودار می یابد که بعد
عینی تر است در تامل روی رفتار توده های
سخت می باشد . در این حالت رفاقه دنیال
مردم که چندین ساله مشتاق ریاست سرزمین
بندین نتیجه ترویج طرح میکنند . از این مورد
به آن برود به اخبار نظر میبرد از توده های
همه کاره هیچ کاره است معمولاً هم در هیچ
درخواستی بحث به نتیجه نمی رسد . بعنوان
مثال به بحثی از یک بحث توده ای توجه کنید .
... بجز این باقیمانده گفت : «السی این بوسه
همانطور که مراد از آن در ده های میسر است
شاید گفته : «تو این فایده مند را بسازند
خود ما با انتقام بگیریم زنده کرد در خدمت
به شاه همین موقع این جوان برود وسط صحبت
که «ریاست کنش اگر در ده این توده های
اینقدر برتری نبود . گفت : «از آن هم نبود آن
بچه تران بود از آن گرانتر زن دیگری گفت :
«شکال که جنگ تمام شود دست میشود گفت :
تازه بدتر میشود مگر قبل از جنگ وضع درست
بود . . . بحث هیچگونه نتیجه ای نداشت
در مورد حرکت مردم و مرئی و جنگ و ... بدون
ارتقاء با هم صحبت میکنند بدون نتیجه
رأی می دهند آنچه سلم است موفق نمیشود
بحث تسلط یابد . نه شیوا از ایند آگوشه
در آن اوضاع ساله طرح شد منی کند بلکه سا
حرمانی صحبت در بران جلوس بود بیشتر به
خواستی صحبت در بران میرد از این بیشتر
بدان بحث نسیم . رفیق می توانست با یک سوال
چنانچه برین دگران را از ایند سوگوار بودن او
آگاه سازد و سر بحث را حول اهدام جوانی
و در خطر بودن چنان حد ها زندانی در گرفت آدم
حیدر . حتی اگر بعد از این طرح میشد که آنشالله
حج تمام شود درست میشود رفیق می توانست
بلافاصله بپرسد : «چنی از جنگ تمام شده دیگر
کسی را مد این میکند . یک طبع موفق نیست در هر
آزاد میشود . یک طبع موفق نیست در هر
مردی که توده های صحبت میکند و توده دارند
با آتش می کنند بلافاصله خواهد شد با اخبار
بد همه کوتاه معانی به آنجا می رسد به اخبار
رضی اوقات لازم است برای حفظ مناسبت
به عنوان یکی از افراد توجه نشود با صحبت
قطع گردد . مردم غالباً از این شاخه به آن
شاخه میروند مسلماً نمیتوان از مردم قادی انتظار
داشت که مانند یک فرد پیشرو آرای انجمن
فکری باشند و در بحث بر سر یک موضوع متمرکز
هرگز دهند . وی یک مکتب باید با یک مکتب
شیوه ها و روشها بحث را در یک جهت پیش

برود . صحبت های مردم را با واقعیهایی که خود
دست میزند با با سوالاتی که طرح میکند به
یکدیگر ارتباط دهد و وقتی بحث با اخبار نظر
یکی از افراد تغییر جهت میدهد با طرح
یک جمله . یک سوال یا یک مثال بحث را حول
همان محور اول توده آدم بچشد . شاید برای طرح
یک ایده ضرورت داشته باشد در مورد مسائل
و بزرگتر صحبت شود (این مسائل هم مسائل
است که برای مردم جانفشاره است مثل ضد
خلق بودن رژیم فاشیستیک جنگ برای سرمایه داران
و ... اما مهم اینست که تمامی این مسائل در
خدمت بیان یک نتیجه باید مشخص بگردد .
مسئله اینست که در هر بحث صحبت در
اجتاج بهترین را در هر رفتاری که ساختگیست
در توده در جهت شرکت کنند به سهولت می توان
در این مورد موفق شدند . بجز در آنکه روی آن
توده ها بعد از آنکه پراکنده گویی می کنند
و نباید تلاش در جهت رفتار طرح ایده های
متعدد است . موارد بسیاری در بحثهای
توده ای دیده میشود که مکتب های در خدمت
در اولین فرصت به آن در هر دو طرف سازمان
میرد از آن . حتی در مواردی که مردم جهت داشتن
بحث آنرا تغییر میدهند تا ایده جدید برای طرح
نمایند . در این وجه این مکتب هستند که
«از این شاخه به آن شاخه میروند . بجز در
توجه کنند .

... زیرا که از این معانی جنگ بود توده ای
ناگه و غیرین گفت : «آیا میدانستید که
باید بود بر همین . گفت : «اینکه ناراحتی ندان
حالا هم خود ما در سرنگش می کشیم . دخترش با
نفرت از آن دور . گفت : «تو سببها به خون من
شکافتند . گفت : «خوبی در هر شب .
و اهدام میکنند و آن هزاران جوان بیگناه
در خطرند که هستند . مادر خود بدی رژیم را به
باد در تمام دست پس در مورد سرنگش می کشیم
شورا و حکومت آینده توضیح بدارم .

دقت کنید که در روزهای مخالفتها
عینی پیش میروند حتی از رفتن توده های
عینی صحبت میکنند و فقط رفیق صحبت
زندانیان سیاسی را می بیند و سعی به طرح
ایده های متعدد در توده های حکومت آینده و
شوراهای میروند . توده های حکومت آینده
بحث شکایت می شود و مردم در آن فهم میروند .
حال آنکه رفیق می توانست با از صحبت حول
مسائل عینی از این مسائل عینی و تجارب متعدد
توده ها کند . بجز وقت صحبت در هر دو ضرورت
رهبری انقلابی و حمایت از انقلابیون را به خوبی
بشناسد . همواره باید در نظر داشت که در
آباد میروند که هر خراب است . پیشرو یک
ایده بصورت کامل موفق بجز در طرح صدایده
ناقص است .

رفقا ! تبلیغ یک هنر است و مثل هر هنر دیگری
ظرافت بچیدگیها و جزئیات خود را دارد .
کاری نیست مسائل مختلف را صرفاً پیش توده ها
پرساییم بلکه باید بدانیم چگونه میتوانیم
که مردمی مرد را تا شرکت در کاری داشته باشد .
باید بدانیم چگونه مسائل مختلف را در یک
راستا گانالیزه کنیم . یک ایده را به توده ها
آنگاه می توانیم طرح ایده های متعدد را سعی به
ظت صحبت کنیم و عام در مورد هر یک از سوالات
به این طرز گفتار و معانی متوسط و متن عقب مانده
که اکثریت مخاطبین ما را در تبلیغ ظاهر شکل
بدی هند قادر نیستند چندین ایده را که با
یکدیگر طرح میروند جذب درک کنند . از برد
تبلیغ می کند و در مواردی که بجز فعالیت تبلیغی
را به صورتی است که حال آنکه وقتی یک ایده را از
گانالیزه گوناگون و شیوه های مختلف توضیح
دهیم بر آن توده های قادی اثر می کند از
اطلاعات و تجربیات فرسنگم پراکنده آنها را
انجام می بچشد .

دست زدن به عطیات سیاسی - نظامی
کسترده نیست . از آنجا که سازمانها و سازمانها
موجود در عراق تا ما خود را جهت سرچشمه
سازمانه آماده ساختند اندک آدم جنگ تنها
قادر است چنانچه انداز چینی داخل راز را
کسترده دهد که سلسله رشد نیروهای مترب
و از یک اندازه شدن جنبش می انجامد . از هر
روست که این چشم انداز برای امپریالیست
و کمونیست هیچ روی مطلوب نیست .

از سوی دیگر سیاست توسعه طلبانه . . .
مان اسلامیشی رژیم جمهوری اسلامی با سایر
سیاست های شوروی نیز در تناقض کامل قرار
گرفته است حمایت و همکاری رژیم از نیروهای
ارتجاعی منطقه بخصوص از نیروهای مرتجع
افغانستان کابل در تعداد با سیاستهای شوروی
استه و از این جهت رژیم در تعداد با سیاستهای شوروی
برای سیاست افشای رژیم رژیم جمهوری
اسلامی . سیاست که به آن جدا در و در
بسیار است. اتفاق شده است . بهتر اینست
طرح رژیم در حال تغییر است . این عا
سلباً بروی سیاست داخلی رژیم نیز تاثیر خواهد
نهاد . رژیم از جنگ بهترین سود را در خ
سرکوب توده ها و مبارزه با تانکری و تسبیح و
تفاهای درونی خود برده است . رژیم
تا انتهای مرحله ابتدایی جنگ میکشد تا
بازمان زنده با احساسات ناسیونال شیفته
توده ها آنان را به سمت سیاست از جنگ
به دیگر سیاستهای برانگیز . میکشد تا انت
رایانکه برقی گری (که گاهی مخالف اسلام
است) . بخدمت جنگ در آوردن از سیاست
نمی رود و توده های ارتشی را سر کوب کرده
تفاهای سران ارتش را خود را سرپرست
ایجاد از جمله دوم جنگ در جهت تسبیح
کرده است . عقب مانده می بیند افشای توده ها
که بقایای از توجهم به جنگ می بیند .
وجود بود . گفته به صف طریقی مخالفین
ارتجاعی می بیند . تفاهای درونی
رژیم رفته خواهد نهاد بر وجه ناسیون
شیفته است حاکم بر ارتش هر چه شد بدتر در
تقابل سیاست های گان اسلامیشی سپاه
و بزرگوارهای انقلابی . قرار خواهد گرفت
رژیم به مردای پانجاه است که بیرون آمد
از آن برایش بسیار دشوار خواهد بود .

سیاستی که در مقطعی در مقابل مبارزات
توده ها و در جهت تانق ضد خلقی رژیم قرار
داشت بر ضد خود بدل شده است . توده های
جنگ هر رژیم در هر راه یکسان بسوز مر
و نابودی سوق میدهد .

... اکنون ضرورت است که توده های انقلابی ایران
و عراق بشیرا پیش به شمار شد با جنگ
جنگ داخلی تا یکدیگر بزنند . مبارزه
فرهنگستان را به سرنگش رژیمها حاکم بر آ
خوانند . ناراضی در صورتی که رژیمها
دشمنان سرسازان شدت رژیم فزونی خواهد
نهاد و اشکال شگرتی بخود خواهد برد .
از نیروهای انقلابی باید بشیرا پیش به
سوی توده ها بر طبق توده های خود و بر از
نیروهای انقلابی ایران اکنون در شرایطی قرار
دارند که باید این شعار را در تبلیغ قرار دهند
«کارگران و دهقانان و فرهنگستان و
روستایان و معات از اوضاع فلاکت بار موجود
تسبیه خاشاکه و در این جنگ ارتعاشی
قراری عینی و بزرگوار است سرنگش
رژیم جمهوری اسلامی و کسب قدرت توسط
کارگران و فرهنگستان است . سرسازان
پس از انقلابی اوشی گانه . به حل انقلابی
پایان بخشیدن به جنگ است
تغییرات را سوی رژیم جمهوری اسلامی
برگردانند .

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



در سالگرد شهادت رفقای قیصرمان شعارمانه بگوئیم تا یادشان را گرامی داریم

سالی که گذشت سال خون و حماسه و مقاومت‌های قهرمانانه دانشجویان عزیز است. خلق در مقابل دروغ‌های بورژوازی در سالگرد شهادت جوانان جمهوری خلق ایران در شبانه روزی که هر روزی آن‌ها را به یاد می‌آوریم، یاد می‌کنیم که برپایی هر روز آن‌ها شهادت‌هاست. ماه‌های راهپیمایی که هر روزی آن‌ها را به یاد می‌آوریم، یاد می‌کنیم که هر روزی آن‌ها شهادت‌هاست. ماه‌های راهپیمایی که هر روزی آن‌ها را به یاد می‌آوریم، یاد می‌کنیم که هر روزی آن‌ها شهادت‌هاست. ماه‌های راهپیمایی که هر روزی آن‌ها را به یاد می‌آوریم، یاد می‌کنیم که هر روزی آن‌ها شهادت‌هاست.

سراغ خانوادگی‌های شهیدان هر کدام با سرانجامی که در پی داشته‌اند، به امید و چشم آن راه را ادامه می‌دهند. فرزندان انقلابیانی که از سر راه خانوادگی‌های شهیدان برآمده‌اند، آنگونه که هدف جوانان چون هدف خلق بوده، فراموشی را در پی ندارند. ماه چند نمونه از افرادی که رفقا می‌توانند با برطرفیتم موجود در خانواده‌های مبارک یادشان را گرامی بداریم.

۱- برای خانواده‌های غیرسیاسی در سالگرد شهادت فرزندان، میتوان از طرف همکاران سازمان دستاویز کل همراه با تکمیل نامه‌های کوتاهی فرستاد و در ضمن نامه با اشاره به اهداف فرزندان نشان سالگرد شهادت آنها را از طرف سازمان برگزار کرد و از جمعیت‌ها گرامی داشت. متن را گونه‌ای تهیه کنید که به خانواده‌های متضرر از ترس واقعی فرزندان را القا کرده و افتخار بسازد.

۲- در صورت امکان به ادارای جمعی از همکاران، شهید را سازمان دهید و اطرافیان همکاران، همسایگان و... را در جهت حرکت جمعی در بزرگداشت شهید و اهداء دردی بسا خانواده‌های مبارک، بسیم کنید.

۳- برای خانواده‌های غیرسیاسی که ظرفیت سیاسی دارند بنام حد این ظرفیت همراه با تکمیل نامه اعلامیه، پیام گسترده سازمانی، خطاب به خانواده‌های شهیدان، آنها را سیاسی و برنامه عمل سازمان، آرگان و حتی پیوسته از مواضع و عملکردهای سازمان در سالگرد شهادت آنها یاد کنید تا خانواده مزبور خود را در روز شهادت نشان و از خانواده‌های آنها احساس کند.

۴- در مدارج بالاتر میتوان به سائیل مشروطه رجوع کرد و نیز افزود که در آن اشکال مختلف حرکت در جهت تدوین راه فرزندان خلق در جهت تکمیل بخشیدن به خانواده‌های شهید او با درجهت فعالیت‌های سیاسی در رابطه با آرمان فرزندان شهید، خانواده طرح شده باشد.

۵- در مورد شهیدانی که در سطح کارخانه‌ها، ادارات،... شهادت‌گان طلب آن گرامی استکار است و مورد استقبال برای خانواده‌های موجودند، میتوان شهرهای دیگری را به روش...

شماره ۱۰. این شماره به بزرگداشت شهیدان می‌باشد. اهداف و محتوای این شماره عبارتند از: ۱- تکریم و ترویج فعالیت‌های شهیدان. ۲- تبیین راه‌های مبارزه با دشمنان. ۳- ایجاد روحیه مبارزه و شهادت در بین جوانان. ۴- آشنایی با اهداف و احوال شهیدان. ۵- ایجاد ارتباط بین خانواده‌های شهیدان. ۶- اطلاع‌رسانی در مورد فعالیت‌های مبارزانه. ۷- ترویج فرهنگ شهادت و ایثار.

۱- خانواده‌های شهیدان را به محل‌های همکاران با هم بدرستی‌های آنها را تکریم کنید. این عمل در صورت پیروی قاطعانه نیروی قابل توجهی حول خود جمع کند و مثبت معنای بزرگان مزدوران رژیم خواهد بود.

۲- در رابطه با رفقای هواداری که به شکل متکی حرکت می‌نمایند، کم از کم ۵ نفر شهیدان را به بزرگداشت شهیدان، تکریم و ترویج کنید. در شهادت‌تربیی به نحو نقش داشته. تکریم شهیدان را باعث بسود دادن انقلابیون شده است. پیام‌های شهیدان که مردم محل و کارکنان کارخانه و... هستند می‌باشد. این تکریم که در رابطه با همکاران شکل قدرت می‌تواند ابعاد گوناگونی چون کشتن زمین، جایز کردن، ترویج و... را به خود تنبذ بر طبق همیندهای ارائه شده در رابطه با جوهرهای زینتی انجام می‌شود. عملیات راه اسم شهید در تکریم‌ها می‌تواند به نفع سیاسی شخصیات سوزی، عملیات وحدت‌آفرینه شود. توضیح دهید با در ترویج را گرامی دارید.

۳- با تکریم همکاران این شهیدان را بیشتر با تکریم و تکریم‌ها آراسته که منطبق با روحیات هر خانواده برگزیده شود. طبعاً به تکریم قوه استکار در شرایط مشخصی که با آن در تکمیل اشکال دیگری از ملها بر روز و مولف‌ها گسترده.

۴- با تکریم خاطره شهیدان با طبع خلق را می‌تواند به بزرگداشت آن‌ها به آنگونه که تحت نظر آنان خلق است با تمام طبع و ذهن.

چگونه می‌توان به جنگ خاتمه داد
 در صفحه ۱

رفقا! هواداران!

برنامه عمل سازوکاران را بهر طریق ممکن به میان آورده‌ها ببرید

- با تهیه و توزیع تراکت‌ها و اعلامیه‌ها مضامین موجود در برنامه مطرا برای توده‌های بزرگ کنید.
- با تکثیر قلم‌های مختلف برنامه عمل توده‌ها را به تکرار و نظرات سازمان آشنا سازید.
- با تهیه متن توضیحی، مواضع سازمان را که در برنامه عمل منعکس است برای توده‌ها توضیح دهید.

فعالیت تبلیغی خود را گسترش دهید و به تبلیغ برنامه عمل سازوکارانی بپردازید

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق